



پیروزی در جنگ و حماسه میلیونی تشییع پیکر مطهر رهبر انقلاب، جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی ایران را تقویت کرد

اولین انتقام از ترامپ

گروه‌سیاسی۱-حضور میلیونی مردم در مراسم تشییع پیکر مطهر رهبر مجاهد شهیدانقلاب پیام‌های بسیار مهمی رادربراه واقعیت‌های جامعه ایران به دنیا مخابره کرد. پس از حوادث تلخ دی ۱۴۰۴، دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی آمریکا و رژیم صهیونیستی تلاش داشتند یک تصویر غیرواقعی از جامعه‌ایران را به دنیانشان دهند؛ تصویری که مهم‌ترین شاخصه آن، عدم مقبولیت و محبوبیت نظام جمهوری اسلامی و مقامات آن در بین مردم ایران بود.

بر اساس همین تصویر و تصور، یکی از مهم‌ترین اهداف جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم، فروپاشی اجتماعی و ایجاد آشوب خیابانی در ایران بوده‌طرحی که نهایتاً به دنبال براندازی جمهوری اسلامی و در ادامه بالکنیزه کردن ایران بود. به صورت مشخص، موساد وظیفه میدانی اجرای این طرح را بر عهده داشت. کما اینکه در همان روزهای آغازین جنگ رمضان، با هدف قرار دادن مراکز پلیس و مقرهای فراجا و همین‌طور حمله پهنادی به محافظان امنیت در ایست‌های بازرسی، تلاش شدند مقدمات کلید خوردن این پروژه فراهم شود. با این حال، هوشمندی مردم ایران باعث شد این پروژه به طرز مفتضحانه‌ای باشکست‌مواجه‌شود. جامعه‌ایران همانند جنگ ۱۲ روزه نسبت به تجاوز و دخالت خارجی در امور داخلی، واکنش منفی نشان داد. این هوشمندی جامعه ایران نشان داد برآوردهای موساد و سیا درباره رفتار جامعه ایران در قبال تجاوز خارجی کاملاً اشتباه بوده است.

با این حال آنچه سبب شد این برآوردها مفتضح شود، حضور میلیونی مردم ایران در مراسم تشییع پیکر مطهر رهبر شهیدانقلاب بود. حضور میلیون‌ها نفر در مراسم وداع، نماز و تشییع پیکر پاک رهبر شهید، هم محبوبیت و جایگاه بی‌نظیر ایشان نزد افکار عمومی ایرانیان را نشان داد و هم اینکه یک تصویر روشن، واضح و غیر قابل خدشه را از واقعیات جامعه امروز ایران در معرض دید همه دنیا قرار داد.

حضور میلیونی مردم عراق در مراسم تشییع پیکر مطهر رهبر شهید در نجف و کربلا هم باعث شد وجه دیگری از جایگاه و محبوبیت رهبر شهیدنزدشیعیان منطقه‌نمودار شود. در واقع مهم‌ترین پیام حضور میلیونی مردم عراق در تشییع پیکر مطهر رهبر شهید، اعتقاد آنها به مرام و اندیشه ایشان، بویژه درباره ایده مقاومت است.

بر همین اساس صاحبنظران مطرح دنیا در تحلیل واژبایی حضور بی‌سابقه مردم ایران و عراق در مراسم تشییع پیکر حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای، به ایده مقاومت پرداختند؛ ایده‌ای که یکی از مهم‌ترین میراث‌های فکری و عملی رهبر شهیداست.ایشان هم مبدع نظریه مقاومت بودند، هم نقش اصلی را در تثبیت این نظریه در وجه مختلف سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی داشتند، هم با ایجاد نهادها و ساختارهای مختلف، این نظریه را بسط و توسعه دادند و هم اینکه در نهایت جان‌شان را در این مسیر فدا کردند. چنا از نحوه شهادت آیت‌الله شهید سیدعلی خامنه‌ای که یک شهادت اسطوره‌ای بود، عملکرد جمهوری اسلامی در مقابله با تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران در جنگ ۴۰ روزه، مهر تأییدی بر اثرگذاری این نظریه و کارکرد آن در شکست سنگین متجاوزان، دفاع از تمامیت ارضی و ارتقای جایگاه ایران نسبت به قبل از جنگ بود. پیش از مردم ایران که در جنگ تحمیلی ۴۰ روزه، کارآمدی نظریه مقاومت را با تمام وجود لمس کردند، مردم عراق نیز در جریان فتنه داعش، بی به این واقعیت برندند و متوجه شدند تنها راه پیش روی آنان برای فائق آمدن بر فتنه‌ها و تهدیدهای داخلی و خارجی، مقاومت و تکیه بر قدرت درونی است. مقاومت، هدیه جمهوری اسلامی و آیت‌الله شهید سیدعلی خامنه‌ای به مردم عراق بود تا با این سلاح از دشمنند، تهدید خطرناک تروریسم را از خود دور کنند. بر همین اساس، حضور میلیونی مردم عراق در مراسم تشییع پیکر مطهر رهبر شهیدانقلاب، به تعبیری، قدرتی و سیاسی‌سازی آنها از ایشان بود.

به هر حال، بسیاری از کارشناسان و صاحبنظران بر این باورند یکی از ریشه‌های محبوبیت بی‌نظیر رهبر شهیدانقلاب در افکار عمومی ایران و کشورهای منطقه و حضور میلیونی این مردم در مراسم تشییع پیکر مطهر ایشان، به همین گزاره مقاومت وابسته است.

۲-واقعی شدن تصویر جامعه ایرانی، بویژه روشن شدن جایگاه جمهوری اسلامی و محبوبیت رهبران آن در افکار عمومی، پیام‌ها و پیامدهای مهمی هم در داخل و هم در خارج از ایران

دارد. یکی از این واقعیت‌ها که هم‌زمان با برگزاری مراسم تشییع پیکر مطهر رهبر شهیدانقلاب در ایران و عراق، از سوی کارشناسان و تحلیلگران آمریکایی مطرح‌شد، برآوردهای اشتباه دولت آمریکا در طراحی پروژه حمله نظامی به ایران بود. ترامپ نه‌تنها در میدان نظامی دچار خطای محاسباتی شد و به هیچ‌کدام از اهداف تعیین‌شده نرسید، بلکه در تخمین تحولات اجتماعی و واکنش مردم ایران نسبت به تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی به کشورشان هم مرتکب یک اشتباه خسارت‌بار شد.

پس از انتشار تصاویر تشییع میلیونی پیکر رهبر شهیدانقلاب، چند سوال بسیار مهم در محافل سیاسی آمریکا و دنیا پرسیده می‌شود: ترامپ بر اساس چه داده‌ها و اطلاعاتی تصور می‌کرد می‌تواند با یک حمله نظامی، حکومتی با این پشتوانه مردمی را براندازد؟ رئیس‌جمهور آمریکا بر اساس کدام گزارشات و محاسبات تصور می‌کرد با ترور رهبری با این درجه از محبوبیت داخلی و منطقه‌ای، می‌تواند زمینه‌ساز فروپاشی نظام جمهوری اسلامی شود؟ چرا ترامپ در این توهم سیر می‌کرد که با ترور رهبر ایران، به چهرهای محبوب در این کشور تبدیل می‌شود؛ در حالی اکنون منفورترین فرد در ایران و منطقه غرب آسیاست و این روزها میلیون‌ها نفر ضرورت گرفتن انتقام خون رهبر خود و قصاص ترامپ را فریاد می‌زنند؟ اینها سوالاتی است که هم‌زمان با انتشار تصاویر و فیلم‌های حضور میلیونی مردم ایران و عراق در مراسم تشییع پیکر پاک رهبر شهیدانقلاب، از سوی کارشناسان و صاحبنظران مطرح پرسیده می‌شود.

۳-گزارشات رژیم صهیونیستی و شخص نتانیاهو به ترامپ درباره وضعیت اجتماعی ایران، موقعیت و مقبولیت جمهوری اسلامی در افکار عمومی ایران و مهم‌تر از آن، واکنش مردم ایران نسبت به حمله نظامی آمریکا به کشورشان تا چه اندازه روی تصمیم ترامپ برای حمله به ایران موثر بوده است؟ آیا انطور که بسیاری از تحلیلگران برجسته آمریکایی می‌گویند، ترامپ توسط نتانیاهو فریب داده شد؟ نقش جامعه اطلاعاتی آمریکا بویژه سازمان سیا در اتخاذ این تصمیم ترامپ چه بوده است؟ آیا سبب نیا با داده‌های موساد فریب خوردن یا نفوذ موساد و لابی صهیونیستی در جامعه اطلاعاتی آمریکا باعث شد سیا نیز گزارشاتی جهت‌دهی‌شده در راستای معتبر کردن اقدام نظامی علیه ایران، به ترامپ ارائه کند؟

پاسخ این پرسش‌ها و سوالات مشابه آن، با گذشت زمان مشخص خواهد شد. تا آن زمان، چند نکته را باید در نظر داشت.

قطعاً گزارشات و برآوردهای نتانیاهو و موساد به ترامپ درباره وضعیت جامعه ایران، جایگاه جمهوری اسلامی و همین‌طور واکنش عمومی به حمله نظامی به ایران، واقع‌بینانه نبوده است. اگرچه فشار لابی‌های صهیونیستی به ترامپ برای حمله به ایران یا فرضیه اخاذی رژیم از ترامپ در ماجرای پرونده فساد جفری ایستین، نقش کلیدی در تصمیم ترامپ برای حمله به ایران داشته اما از این نکته نیز نباید غافل شد که باور و برآورد ترامپ درباره پیروزی در جنگ و تحقق اهداف نظامی و سیاسی‌اش در آن هم در اتخاذ تصمیم نهایی او برای حمله به ایران اثرگذار بوده است. از همین رو می‌توان با قطعیت گفت درباره میزان موفقیت حمله نظامی به ایران و همین‌طور توفیق پروژه آشوب و براندازی یا تضعیف جمهوری اسلامی، برآوردهای غلطی به ترامپ ارائه‌شد. بر‌خی بر این باورند ترامپ خود نیز از واقعیت‌های جامعه ایرانی با خبر بوده و بنا به دلایلی دیگر تصمیم به حمله علیه ایران گرفت اما شخصیت‌شناسی ترامپ می‌گوید او قاعدتاً باید از اقدام یا اقداماتی که منجر به وضعیت فعلی در ایران می‌شد، برهیز می‌کرد. این روزها در ایران، قصاص ترامپ به یک مطالبه‌فراگیر میلیونی تبدیل شده است. برای وی که حساسیت ویژه‌ای نسبت به تصویر خود در افکار عمومی دارد و بر همین اساس کودکانه‌خواستار گرفتن جایزه صلح نوبل بود، این وضعیت غیر قابل تحمل است که به چهرهای منفور در بین دهها میلیون نفر از مردم غرب آسیا تبدیل شده و دهها میلیون نفر در ایران و منطقه غرب آسیا، فریاد کشتن او را سر می‌دهند، لذا این فرضیه چندان قابل قبول نیست که ترامپ قبل از حمله به ایران، نسبت به واقعیات جامعه ایران باخبر بوده است. از سوی دیگر اجتماعات میلیونی در ایران و عراق برای تشییع پیکر مطهر رهبر شهیدانقلاب، باعث شده‌اعتبار داخلی و بین‌المللی ترامپ بشدت مخدوش شود. اکنون او قاتل یا یکی از قاتلان رهبری شناخته می‌شود

که میلیون‌ها نفر در ایران، غرب آسیا و سراسر دنیا، حتی آمریکا طرفدار او هستند و برای شهادتش اشک ریخته‌اند و از آن مهم‌تر خواستار قصاص شخص ترامپ هستند. جدا از تبعات امنیتی این موضوع برای ترامپ که قطعاً چه در زمان باقیمانده تا پایان دوره ریاست‌جمهوری و چه پس از اتمام آن گریبانگیر او و خانواده و نزدیکانش خواهد بود، اکنون او در محافل بین‌المللی و افکار عمومی دنیا به‌شدت مورد سرزنش و مواخذه قرار گرفته است. مشارکت در ترور یک رهبر سیاسی و مذهبی با صدها میلیون طرفدار، موضوعی نیست که ترامپ بتواند از زیر بار مسؤولیت آن شانه خالی کند. بویژه اینکه پس از اتمام دوره ریاست‌جمهوری، ترامپ حتماً در محافل قضایی بین‌المللی، درگیر پرونده این ترور خواهد شد.

در حوزه سیاسی نیز اکنون رهبران دنیا از او می‌پرسند دلیل مشارکت او در ترور رهبر شهید ایران چه بوده است؟ آن هم تروری که برای آمریکا نتیجه معکوس داشته است. حتی نر نه‌تنها منجر به تحقق اهداف آمریکا در ایران نشد بلکه دولت آمریکا را به عنوان یک دولت ناشی تروریست معرفی کرده و شخص رئیس‌جمهور آمریکا را در جایگاه یک قاتل تحت تعقیب نشانده است.

ایشنا برخی از مواردی است که نشان می‌دهد ترامپ هم اطلاعات درست و دقیقی درباره جامعه ایران نداشت و هم نسبت به تبعات و عواقب ترور رهبر شهیدانقلاب، غافل بود. بنابراین درباره این موضوع، اکنون مهم‌ترین فرضیه این است که ترامپ در ماجرای ترور رهبر انقلاب، فریب خورد. اینکه هم چن گس یا کسلی یا چه نهادها و سازمان‌هایی در این ماجرا ترامپ را فریب داده‌اند، در آینده مشخص خواهد شد. فعلاً مهم‌ترین متهم، رژیم صهیونیستی، موساد و شخص بنیامین نتانیاهو هستند.

۴-شامگاه پنجشنبه ساعاتی پس از تشییع پیکر مطهر رهبر مجاهد شهیدانقلاب، حادثه‌ای تروریستی در یکی از خیابان‌های مشهد رخ داد و فردی مسلح به روی چند نفر از بسیجیان حافظ امنیت اسلحه گشود و تعدادی از آنها را به شهادت رساند. این اتفاق تروریستی کاملاً قابل پیش‌بینی بود. کما اینکه ارزیابی‌های اطلاعاتی و امنیتی نشان می‌داد رژیم صهیونیستی هم برای ایجاد آشوب و اغتشاش در مدت زمان توقف جنگ، به وجود آوردن حوادثی مشابه حوادث ۱۸ دی و زمینه‌سازی برای حمله مجدد آمریکا به ایران و هم برای ایجاد اختلال در مراسم تشییع پیکر رهبر شهیدانقلاب دست به اقدامات تروریستی خواهد زد. این برآوردهای اطلاعاتی و امنیتی، پس از حضور میلیونی مردم در مراسم تشییع پیکر مطهر ایشان در تهران، قم و عراق تشدید شد. تشییع‌های حماسی و بی‌سابقه، از یک سو واقعیت‌های جامعه ایران و محبوبیت و مقبولیت رهبر انقلاب و نظام اسلامی را به رخ کشید و از سوی دیگر موجی از انتقادات و سرزنش‌ها علیه ترامپ و نتانیاهو را در محافل بین‌المللی به راه‌انداخت. از همین رو کاملاً پیش‌بینی می‌شد دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی، بویژه موساد به دنبال انجام اقدامات تروریستی در ایران هستند. ضمن اینکه یکی از اهداف نتانیاهو از این اقدامات تروریستی، مقابله با انتقادات و سرزنش‌های گسترده‌ای است که پس از شکست محاسبات اطلاعاتی رژیم از جامعه ایرانی، هم در جریان جنگ رمضان و هم در جریان حضور میلیونی مردم در مراسم تشییع پیکر مطهر رهبر شهیدانقلاب، از او شده بود. در واقع نتانیاهو با این اقدامات تروریستی به دنبال آن است تا نامنی و شتت در ایران را القا کند.

با این حال واقعیات از نگاه تیزبین کارشناسان و تحلیلگران بین‌المللی پنهان نمی‌ماند. این اقدامات تروریستی، نشانه دست و پا زدن موساد برای اعاده حیثیت در ماجرای شکست اطلاعاتی مفتضحانه در جنگ رمضان و آشکار شدن تصویر واقعی جامعه ایران در جریان مراسم تشییع پیکر پاک رهبر شهیدانقلاب است؛ افتضاحی که قطعاً با چند اقدام تروریستی پاک نخواهد شد.

۵-نتانیاهو در تازه‌ترین اظهارات خود از سر استیصال مدعی شده ایران پس از ۷ اکتبر در ضعیف‌ترین حالت خود قرار دارد. این ادعایی است که صرفاً نتانیاهو مطرح کرده است. تقریباً همه کارشناسان و صاحبنظران مطرح مسائل بین‌المللی و همین‌طور رسانه‌های معروف دنیا اذعان کرده و می‌کنند اکنون موقعیت و قدرت ایران بسیار بیشتر از شرایط پیش از جنگ تحمیلی ۴۰ روزه است.

در همه محافل سیاسی، اندیشکده‌ها و مراکز آکادمیک دنیا، قضاوت درباره نتیجه جنگ‌ها، نه بر اساس میزان زد و خورد و خسارت‌ها و هزینه‌های طرفین، بلکه بر اساس وضعیت اهداف طرفین، بویژه طرف شروع‌کننده جنگ انجام می‌شود. این یک واقعیت غیر قابل انکار است که نه آمریکا و نه رژیم، به هیچ‌یک از اهداف خود در جنگ علیه ایران نرسیدند. نه برنامه هسته‌ای ایران برچیده شد، نه ذخایر اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصد ایران از بین رفت یا آنگونه که ترامپ می‌خواست از کشور خارج‌شده، نه برنامه موشکی و پهپادی ایران از بین رفت یا محدود شد، نه جبهه مقاومت از بین رفت و نه سیاست‌های منطقه‌ای ایران تغییر کرد؛ در یک کلام، هدف اصلی ترامپ یعنی تسلیم بی‌قید و شرط ایران محقق نشد. از سوی دیگر پروژه امنیتی آشوب، براندازی جمهوری اسلامی و حتی تجزیه ایران هم محقق نشد اینها اهداف اصلی ترامپ و نتانیاهو از به راه‌انداختن جنگ علیه ایران بود. البته ترامپ حتی در خیال تسلط بر منابع نفت و گاز ایران، شبیه آنچه در ونزولیا رخ داد نیز بود – که طبیعی است – ولی این خیال خام نیز توهمی بیش نبود. بنابراین بر اساس قواعد سیاسی و بین‌المللی درباره نتیجه جنگ‌ها، آمریکا و رژیم صهیونیستی در هیچ‌کدام از اهداف تعیین‌شده حمله به ایران، توفیقی نداشتند و در همه موارد شکست خوردند. همین شکست مفتضحانه، که پیروزی بزرگ و ارزشمند برای ایران است، ایران مقاومت کرد و نگذاشت ترامپ و نتانیاهو به اهداف خود برسند و این یعنی پیروزی.

اما ماجرا به همین جا ختم نشده است. پیروزی ایران در این جنگ، صرفاً به شکست آمریکا و رژیم در تحقق اهداف خود محدود و منحصر نمی‌شود. ایران قدرت دفاعی خود را به رخ همه بازیگران منطقه‌ای و جهانی کشید و از آن مهم‌تر نشان داد با وجود ترور رهبر انقلاب و تعدادی از فرماندهان ارشد نظامی و مقامات امنیتی در همان دقائق اولیه جنگ اما از یک ساختار حاکمیتی قدرتمند برخوردار است که حتی از توان تاب‌آوری در چنین شرایطی نیز برخوردار است. کدام حکومت و نظامی در دنیا وجود دارد که می‌تواند در چنین شرایطی به سرعت خود را بازیابی کرده و در برابر تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی مقاومت و مقابله کند؟ از زمان ترور رهبر شهیدانقلاب تا انتخاب رهبر جدید، ۸ روز طول کشید و جمهوری اسلامی ایران در این مدت نشان داد از یک ساختار تصمیم‌گیری منحصربه‌فرد برخوردار است که حتی در چنین شرایطی نیز در میدان جنگ به مقابله می‌پردازد. بنابراین در کنار نمایش قدرتمندانه نیروهای نظامی، آشکار شدن قدرت ساختار جمهوری اسلامی نیز یکی از دستاوردهای مهم ایران در جنگ رمضان بود. کدام حکومتی در دنیا می‌تواند چنین شرایطی را هضم، به سرعت خود را بازیابی و بازسازی و آرایش دفاعی خود در برابر ابرقدرت نظامی دنیا و رژیم تا بن دندان مسلح صهیونیستی را سامان دهد؟ لذا این تاب‌آوری و انسجام ساختار تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی نیز یکی از دستاوردهای ایران در جنگ رمضان بود. در کنار این ۲ مورد، قدرتمندی ایران در تنگه هرمز نیز یکی از دستاوردهای بزرگ ایران در جنگ تحمیلی ۴۰ روزه بود که قطعاً تاثیر مهمی بر ارتقای جایگاه ایران پس از این جنگ داشته و دارد. ایران تنها چند ساعت پس از آغاز تجاوز آمریکا و رژیم، هرمز را بست و از آن مهم‌تر، تلاش‌های گسترده آمریکا برای بازگشایی تنگه از طریق اقدام نظامی را ناکام گذاشت. به اعتقاد کارشناسان و مقامات دنیا، حالا تنگه هرمز سلاحی ایرانی است که اهمیت و قدرت آن حتی از بمب هسته‌ای نیز بیشتر است. یکی از تفاوت‌های مهم ایران پس از جنگ نسبت به ایران قبل از جنگ، کنترل تنگه هرمز است. همه دنیا تبعات جهانی انسداد تنگه هرمز را با تمام وجود لمس کرد. قیمت هر بشکه نفت تا ۹۰ درصد افزایش یافت. برخلاف برآوردهای ترامپ، یک هفته پس از شروع جنگ، مردم آمریکا تبعات آن را در زندگی و معیشت خود احساس کردند. قیمت بنزین در آمریکا بین ۲۰ تا ۴۰ درصد افزایش یافت. این اتفاق در بسیاری از کشورهای دنیا رخ داد و حتی منجر به بیکاری گسترده در برخی کشورهای شرق آسیا شد. اینها پس از انسداد تنگه هرمز توسط ایران رخ داد؛ آبراه استراتژیکی که ۲۰ درصد نفت دنیا از طریق آن حمل می‌شود و این یعنی ایران پس از جنگ اکنون یک اهرم تعیین‌کننده در بازار جهانی انرژی دارد. از سسوی دیگر کنترل تنگه هرمز باعث شد ایران یک اهرم مهم برای اثرگذاری بر تحولات منطقه‌ای و جهانی

داشته باشد. مذاکرات پیدا و پنهان سران منطقه با ایران و همین‌طور سفرهای رسمی و غیررسمی سران آنها به ایران پس از توقف جنگ، به وضوح نشان می‌دهد موفقیت ایران نسبت به قبل از جنگ به مراتب ارتقا یافته است. به تعبیری مفاد تفاهنامه خاتمه جنگ میان ایران و آمریکا به اندازه کافی گویای ارتقای موقعیت ایران پس از جنگ است. در این تفاهنامه، هم چارچوب و ساختار تفاهم و هم ماهیت و محتوای آن به گونه‌ای است که به‌وضوح دست برتر ایران در آن پیداست. آمریکا در این تفاهنامه، ناچار شد در ازای بازگشایی تنگه هرمز آن هم با ترتیبات ایرانی، امتیازات مهمی به تهران بدهد. این تفاهنامه را با مذاکرات طرفین قبل از وقوع جنگ ۴۰ روزه مقایسه کنید. آن هم در شرایطی که در این تفاهنامه ایران تعهدی درباره برنامه هسته‌ای خود ن داده و مذاکره درباره آن، به پس از تحقق تعهدات آمریکا در مرحله اول تفاهنامه موکول شده است. بنابراین همین محتوای تفاهنامه خاتمه جنگ به اندازه کافی، گویا و نشانگر ارتقای موقعیت و جایگاه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران نسبت به قبل از جنگ رمضان است.

در کنار این موارد یا به تعبیری، مهم‌تر از اینها، وضعیت داخلی ایران است. حضور مردم در خیابان‌ها و میدانی شهرهای سراسر کشور که حالا به بیش از ۱۳۰ روز می‌رسد، نشان‌دهنده تقویت سرمایه اجتماعی جمهوری اسلامی است. این حضور خیابانی انقدر مهم و تاثیرگذار است که ترامپ را وادار کرد درباره آن اظهار نظر کند و طبق معمول با استیصال و درمناذگی با طرح ادعای هوش مصنوعی بودن این حضور سراسری، منکر آن شد.

اما از آن مهم‌تر، تشییع‌های میلیونی پیکر مطهر رهبر انقلاب است؛ واقعیتی که باعث شد پس از انکار جایگاه اجتماعی جمهوری اسلامی طی ۴۷ سال گذشته، سرانجام رسانه‌های معروف دنیا زبان به اعتراف باز کرده و حیرت خود را نسبت به میزان سرمایه اجتماعی جمهوری اسلامی ابراز کنند. در حالی که این رسانه‌ها طبق یک پروتکل ثابت، جمعیت میلیونی حاضر در مراسمات مختلف مربوط به جمهوری اسلامی را منکر شده و تعداد مردم حاضر در این مراسمات را با عبارات هزاران نفر و چند صد هزار نفر کاهش می‌دهند اما این بار ازدخح جمعیت به قدری بود که این رسانه‌ها برای اولین بار در ۴۷ سال گذشته ناچار شدند در گزارشات خود درباره «میلیون‌ها نفر» استفاده کنند. حضور میلیونی مردم ایران در مراسم تشییع پیکر رهبر شهیدانقلاب، یک رستاخیز بزرگ بود؛ رستاخیزی که به تعبیر رهبر شهیدانقلاب، نتیجه بعثت مردم بود. این حضور میلیونی، تصویر واقعی ایران را به همه دنیا مخابره کرد. میلیون‌ها نفر از مردم ایران، پس از مقاومت در جنگی ظالمانه و نارابر، به خیابان‌ها آمدند تا ضمن وداع با پیکر پاک رهبر شهید خود، به همه دنیا اعلام کنند تا گرفتار انتقام خون ایشان و چند هزار ایرانی بی‌گناه و بویژه قصاص ترامپ و نتانیاهو، همچنان در خیابان‌ها و میدانی شهرهای سراسر کشور حضور خواهند یافت.

همان‌گونه که گفته شد، حضور میلیونی مردم در مراسم تشییع پیکر مطهر رهبر مجاهد شهیدانقلاب، تصویری واضح واقعیت جامعه ایران و سرمایه اجتماعی جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت. در حالی که پس از حوادث تلخ دی ۱۴۰۴، ترامپ و نتانیاهو تلاش می‌کردند اینگونه القا کنند که جمهوری اسلامی مقبولیتی در جامعه ایران ندارد، حالا همه دنیا به وضوح دیدند میلیون‌ها نفر از مردم ایران با فریاد بلند به مقامات کشور خود گوشزد کردند انتقام خون رهبر شهید و چند هزار هموطن مظلوم‌شان، بویژه قصاص ترامپ و نتانیاهو باید در دستور کار قرار گیرد.

اگر زمانی قبل از جنگ رمضان، ترامپ با نمایشی مهوع، خطاب به مردم ایران می‌گفت کمک در راه است و اینگونه تلاش می‌کرد جنابایانی را که در نظر داشت در جنگ علیه مردم ایران مرتکب شود توجیه کند، حالا همه دنیا مشاهده کرد مطالبه مردم ایران، نه درخواست کمک از ترامپ، بلکه درخواست از مقامات جمهوری اسلامی برای قصاص ترامپ و نتانیاهو است.

این حضور میلیونی نیز یکی از مؤلفه‌هایی است که ثابت می‌کند قدرت جمهوری اسلامی نسبت به قبل از جنگ، افزایش یافته و موقعیت ایران هم در منطقه و هم در دنیا نسبت به قبل از جنگ ارتقا یافته است.